



”

البته بعضی دیالوگ‌های همراه با سرخوردگی در جای فیلم مطرح می‌شود، اما جوابی شعرگونه در لحظه دریافت نمی‌کند. بلکه به زعم من در مجموع فیلم به آن حرف‌های ناامیدکننده پاسخ داده می‌شود.

یک شخصیت سازنده نشسته است. البته بعضی دیالوگ‌های همراه با سرخوردگی در جای فیلم مطرح می‌شود، اما جوابی شعرگونه در لحظه دریافت نمی‌کند. بلکه به زعم من در مجموع فیلم به آن حرف‌های ناامیدکننده پاسخ داده می‌شود.

ناگفته نماند به دلیل حجم بالای اندوه، صحنه‌های دلهره‌آور از جنگ، زلزله، بیماری و شکست، مخاطب این اثر کودکان نیستند. قطعاً روح لطیف کودک توانایی تشخیص امیدها و زیبایی‌ها در دل سختی و مصیبت را ندارد. اما برای نوجوانان و بزرگسالان می‌تواند مفید و اثرگذار باشد و از کلیت اثر حس پویایی و امید دریافت کند.

در آخر، یادداشت‌ها را با این جمله از انیمه تمام می‌کنم که شاید در ظاهر هیچ ربطی به ژانر پیشرفت نداشته باشد. ولی با اندکی تعمق، ربط‌های بسیاری پیدا خواهد شد. جایی که همکار جیرو در آستانه سفر مهم آموزشی به آلمان، به او می‌گوید: «دارم می‌روم توکیو ازدواج کنم. برای سخت‌کار کردن، آدم به خانه و خانواده نیاز دارد...»

نمی‌کند. شوق‌مندانه هواپیمای ساخت آلمان را می‌بیند و می‌گوید این نمادی از پیشرفت و تکنولوژی آلمان است.

ولی از آن طرف می‌گوید: «ما مثل خرگوشی هستیم که بیست سال دیرتر از لاک‌پشت شروع به دویدن کرده است.»

این جمله، از نظر من یک جمله بسیار طلایی است که در عین حال که عقب بودن خود را می‌پذیرد، دلیل این عقب ماندن را فقط در دیرتر حرکت کردن می‌داند، نه در کمبود استعداد و توانمندی. این یعنی ایجاد امید و خودباوری در نسلی که به تماشای زندگی

